

کارکرد زبان به‌مثابه ابزار امنیتی: تحلیل سخنرانی ملک‌سلیمان در اجلاس ریاض

محمد سلامی استاد^۱
محمدحسین جمشیدی^۲
سحر بهرامی خورشید^۳
محسن اسلامی^۴

چکیده

با روی کار آمدن ملک‌سلیمان در سال ۲۰۱۵، سیاست خارجی این کشور در قبال ایران از سیاست محافظه‌کارانه تدافعی به سیاست محافظه‌کارانه تهاجمی تبدیل شد و این کشور به انحاء مختلف در پی امنیتی کردن مسائل سیاسی ایران بوده است تا از این طریق بر مخاطبان منطقه‌ای و جامعه بین‌الملل تأثیر گذارده و ج.ا. ایران را وارد فضای بی‌اعتمادی بین‌المللی کند و آن را مَخل امنیت بین‌الملل معرفی نماید. عربستان این کار را از طرق مختلف همچون جنگ یمن و یا برگزاری اجلاس‌ها و مصاحبه‌های متعدد به انجام می‌رساند. در این راستا، یکی از ابزارهای مهم این دولت، استفاده از زبان و مفاهیم زبانی است که تأثیر آن جدی و حائز اهمیت است. بر همین مبنا، در این مقاله سخنرانی ملک‌سلیمان در نشست ریاض مورد واکاوی قرار گرفته و زوایای اقدامات امنیتی‌سازی آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. به همین جهت سؤال اصلی این است که مقامات کلیدی عربستان سعودی به‌ویژه ملک‌سلیمان، چگونه از مفاهیم «امنیتی‌ساز» و کاربرد «زبان» به مثابه ابزار «کنش کلامی» استفاده کرده‌اند تا جمهوری اسلامی ایران را «پدیده امنیتی» در عرصه منطقه‌ای معرفی نمایند؟ روش تحقیق در این مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف و چارچوب نظری آن، نظریه «امنیتی کردن» آل ویور است. نوع تحقیق کیفی و بنیادی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و اسنادی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ملک‌سلیمان با بهره‌گیری از واژه‌های مطرح در حقوق بین‌الملل و پایه‌ریزی ظریفانه قدرت کلامی خود بر مسائل مطرح و جاری در جامعه بین‌الملل و همچنین مطالبات عمومی کنوانسیون‌های بین‌المللی، توانسته جمهوری اسلامی ایران را در نزد ۵۰ کشور حاضر در اجلاس محکوم نماید و از این رهگذر اذهان مخاطبان را در مورد امنیتی بودن ایران با فحوای کلام خود اقناع نماید.

کلیدواژه‌ها: ملک‌سلیمان، تحلیل گفتمان انتقادی، امنیتی کردن، ایران هراسی.

^۱ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس
^۲ - دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس؛ نویسنده مسئول: jamshidi@modares.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

^۴ - استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹

The Function of Language as a Security Tool: Analysis of King Salman's Speech at the Riyadh Summit

Mohammad Salami Ostad

Ph.D. Candidate of International Relations,
University of Tarbiat Modares, Iran

Mohammad Hossain Jamshidi¹

Associate Professor, Department of International
Relations, University of Tarbiat Modares, Iran

Sahar Bahrami Khorshid

Assistant Professor, Department of Linguistics,
University of Tarbiat Modares, Iran

Mohsen Eslami

Assistant Professor, Department of International
Relations, University of Tarbiat Modares, Iran

Abstract

Since assuming office in 2015, King Salman, Saudi Arabia's approach toward Iran has shifted from a conservative defense policy to an aggressive conservative policy. The Saudi officials have frequently attempted to define Iran as an international threat in their meetings and interviews. The current research investigates King Salman's speech at the Riyadh meeting to show how Saudi officials, particularly King Salman, have used the concepts of "security maker" and the use of "language" as tools of "verbal action" to portray the Islamic Republic of Iran as a "security threat" in the Middle East region. The research method in this article is Norman Fairclough's "of Critical Discourse Analysis", and Ole Weaver's theory of "securitization". Findings of the article show that King Salman condemned the Islamic Republic of Iran at the summit by using the words in international law and the delicate basis of his theological power on current issues in the international community as well as the general demands of international conventions. And in this way, it will convince the audience about the security of Iran with the content of its words.

Keywords: King salman, Critical Discourse Analysis, Securitization, Iran phobia.

¹ - Corresponding Author: jamshidi@modares.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

عربستان سعودی یکی از کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه است که به دلیل برخورداری از منابع نفتی فراوان و وجود اماکن مقدسه یکی از کشورهای مهم منطقه محسوب می‌شود. این کشور در طی مبارزات طولانی در سال ۱۹۳۲ م. و در نتیجه اتحاد تاریخی خاندان سعود با محمد ابن عبدالوهاب در سال ۱۷۴۴ م. تشکیل شد. عربستان به دلیل همسایگی با ایران و بنا به نفوذ گسترده‌ای که در جهان عرب و برخی جوامع اسلامی دارد، از لحاظ راهبردی و منطقه‌ای، برای ایران اهمیت استراتژیک فراوانی دارد. روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران، رابطه‌ای توأم با فراز و فرود گسترده‌ای بوده و از قطع رابطه در حادثه کشتار حاجیان ایرانی در مکه در سال ۱۳۶۶ تا رابطه دوستانه در زمان دولت اصلاحات در نوسان بوده است. با به قدرت رسیدن ملک سلیمان در سال ۲۰۱۵ به عنوان هفتمین پادشاه سعودی، رابطه این کشور با جمهوری اسلامی ایران دگرگونی جدیدی یافت و درون‌مایه‌های رقابتی که این کشور در زمان سلاطین مختلف به صورت نهان و آشکار با جمهوری اسلامی ایران داشت، در این دوره تجلی عینی یافت و این کشور بنا را به مبارزه علنی با ایران، امنیتی جلوه دادن ایران و موازنه‌سازی قدرت در برابر ایران در منطقه گذاشت. به تعبیری: سیاست محافظه‌کارانه تدافعی ملک عبدا... به سیاست محافظه‌کارانه تهاجمی در زمان ملک سلیمان تبدیل شد (Ahmadian, 2015, p.103).

ملک سلیمان و پسرش «محمد بن سلمان» که بر اساس انتصاب مقام ولیعهدی و وزارت دفاع در بسیاری از تصمیمات سیاسی عربستان دخیل است و خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین می‌کند، به رقابت علنی و برخورد تهاجمی با ایران روی آوردند که با قطع روابط دو کشور در دی‌ماه ۱۳۹۴، اوج تیرگی روابط بین ایران و عربستان آشکار شد. بنابراین، با نگاهی گذرا به مسائل پیش آمده اخیر بین دو کشور، به نظر می‌رسد که مناسبات سیاسی و عمومی بین دو کشور در زمان ملک سلیمان، جنبه امنیتی حادث‌تری یافته و برخی از مسائل و رویه‌های عادی بین دو کشور که در زمان ملک عبدا... جنبه عادی داشته است، به مسائل حاد، حیاتی و امنیتی تبدیل شده است. مسائل به وجود آمده بین دو کشور در این برهه مانند پیوندهای مستحکم‌تر ملک سلیمان با آمریکا و باج‌دهی مالی به این کشور، ورود عربستان به جنگ یمن و جنگ نیابتی در سوریه در راستای موازنه با ایران، افزایش خریدهای تسلیحاتی برای تغییر موازنه نظامی علیه ایران، کمک به تحریم نفتی ایران و تعهد جبران کمبود نفت ایران در بازارهای بین‌المللی، اعدام شیخ نمر، فاجعه منا، اعلام حمایت عربستان از گروه‌های تروریستی در ایران مانند حادثه تروریستی مجلس، ورود ۳۰ هزار نیروی نظامی تازه‌نفس آمریکایی به خاک عربستان، جنگ قیمت بر سر نفت با ایران، قتل خاشقچی و تأثیر آن در رابطه بین دو کشور، درگیری‌های سیاسی دو کشور در صحنه سیاسی عراق و لبنان و... همگی

نشان‌دهنده بُعد جدیدی از رقابت‌های پایان‌ناپذیر بین دو کشور است که هرچند برخی از آن‌ها قبل از به قدرت رسیدن ملک سلمان بین دو کشور نیز وجود داشت ولی شواهد نشان می‌دهد که این رقابت‌ها وارد فاز جدیدی شده است و آن، تبدیل شدن به مسائل حاد و امنیتی است به گونه‌ای که به اصطلاح روند «امنیتی کردن»^۱ به‌وضوح در روابط بین دو کشور هویدا است.

روند امنیتی کردن وقایع و رویدادها مرتبط با روابط دو کشور، در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و اجلاس‌های مختلفی که در عربستان منعقد می‌گردد نیز به‌خوبی مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، ملک سلمان در نطق خود به مناسبت افتتاح سال چهارم دوره هفتم شورای مشورتی سعودی در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۹ که یک اجلاس کاملاً داخلی بوده است، از ارسال تسلیحات ایران به یمن در حمله به آرامکو انتقاد کرد و جهانیان را به رویارویی با اقدامات ایران فراخواند (Bahrain News Agency, 20/11/2019) و یا در نشست‌های سه‌گانه عربستان در مکه در ۳۰ می ۲۰۱۹، ایران را به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه متهم کرد و این کشور را عامل برهم زدن قوانین حق آزادی کشتیرانی در دریاهای آزاد دانست که باید به همین مناسبت پاسخ مناسبی از سوی جامعه بین‌الملل دریافت کند (Tasnim, 1/6/2019). در این میان «نشست ریاض» در ۲۱ می ۲۰۱۷ مهم‌ترین سخنرانی ملک سلمان و در واقع کلید سیاست امنیتی کردن مسئله ایران در عرصه بین‌الملل است. این سخنرانی در افتتاح نشست دوجانبه کشورهای اسلامی و آمریکا ایراد شده است و در این اجلاس، سران ۵۰ کشور اسلامی و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا حضور دارند. ملک سلمان در این سخنرانی، جمهوری اسلامی ایران را حامی مالی - معنوی تروریسم در منطقه معرفی می‌کند و آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای ایران را محل امنیت جامعه بین‌الملل می‌داند. (Arab News, 22/05/2017). بنابراین، در این سخنرانی مشاهده می‌شود که محور اصلی آن «امنیتی کردن» ایران است و از نظر او مواردی مانند حمایت ایران از حزب... یا برنامه هسته‌ای ایران از مهم‌ترین مواردی است که قابلیت شدید امنیتی کردن را دارد. بدین سان ملک سلمان با بیان این موضوعات در اجلاسی با حضور بیش از ۵۰ کشور اسلامی و آمریکا، قصد دارد از این رهگذر همراهی مخاطبان بین‌المللی با خود را به همراه داشته باشد. این مقاله در صدد آن است که روند «امنیتی کردن» مسائل غیرسیاسی و سیاسی بین دو کشور ایران و عربستان توسط دولت سعودی را نشان دهد. به عبارت دیگر این مقاله بر آن است که نشان دهد چگونه مقامات سعودی با به کارگیری ابزارهایی چون زبان و مفاهیم برای اقناع مخاطبین بین‌المللی خود

^۱ - Securitization

استفاده کرده‌اند تا مسائل ایران را خطرناک جلوه داده و بدین وسیله ایران را در صحنه بین‌الملل «پدیده امنیتی» معرفی نمایند. در این راستا، سؤال اصلی مقاله این است که مقامات کلیدی عربستان سعودی به‌ویژه ملک سلیمان، چگونه از مفاهیم «امنیتی‌ساز» و کاربرد «زبان»^۱ به‌مثابه ابزار «کنش کلامی»^۲ استفاده کرده‌اند تا جمهوری اسلامی ایران را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی «پدیده امنیتی»^۳ معرفی نمایند؟ پاسخ ما در مقام فرضیه این است که ملک سلیمان از طریق برخی ابزارهای ارتباطی زبانی و ارائه نطق‌های احساسی و استفاده از واژه‌ها و مفاهیم خاص و جهت‌دار که ریشه در مفاهیم مطرح حقوق بین‌الملل دارد سعی کرده تا «مخاطبان»^۴ را اقناع کرده و ایران را پدیده امنیتی معرفی نماید. چارچوب نظری در این مقاله، نظریه «امنیتی کردن» آل ویور است و نحوه تبیین موضوع از طریق تحلیل سخنرانی ملک سلیمان در اجلاس ریاض به کمک روش «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف صورت می‌پذیرد تا برجسب‌های امنیتی از درون واژه‌ها و جملات ملک سلیمان و اشکافی و نحوه معرفی ایران به عنوان «پدیده امنیتی» در قالب زبان به‌مثابه ابزار کنش کلامی سیاسی مشخص شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص این موضوع تاکنون هیچ اثری به نگرارش درنیامده است. همچنین، در خصوص روابط عربستان سعودی و ایران و با چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پژوهش‌های اندکی به رشته تحریر در آمده است که اغلب آن‌ها نیز رسانه‌های دیداری و نوشتاری دو کشور را تحلیل انتقادی نموده‌اند. در نتیجه، تحلیل انتقادی سخنرانی‌های مقامات سیاسی عربستان برای اولین بار در این مقاله صورت می‌گیرد. مریم السادات غیاثیان و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی از ایران و شیعه در پایگاه‌های خبری برخط عربستان سعودی» در فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سه رسانه سعودی «العربیه»، «الشرق الاوسط» و «گازت» را در خلال سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بررسی کرده است که چگونه از ایران و شیعیان در سه محور اصلی «آزادی‌های فردی، قومی و اقلیتی»، «برنامه‌های هسته‌ای و تحریم‌ها» و «مبارزه با تروریسم و نقش منفی شیعیان در این مبارزه» مشروعیت‌زدایی کرده‌اند. در این مقاله نویسندگان معتقد هستند که رسانه‌های خبری عربستان برای بازنمایی ایدئولوژی نهادهای اجتماعی حاکم، واقعیت را به شیوه‌هایی بازسازی و بازنمایی می‌کنند که مشروعیت‌بخشی برای خود و

¹ - Language

² - Speech-Act

³ - Security Phenomenon

⁴ - Audiences

اعضای گروه خودی و مشروعیت‌زدایی از دیگری، نقش محوری پیدا کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که رویکرد عربستان در دشمنی با ایران و شیعیان، همسویی با غرب است.

مهین ناز میردهقان و سمیه شوکتی مقرب (۲۰۱۳) در مقاله با نام «گفتمان پنهان، قدرت و رسانه در خاورمیانه عربی (مطالعه موردی: عربستان سعودی)» بر آن بوده‌اند که ماهیت قدرت و ایدئولوژی پنهان در رسانه‌های سعودی را نشان دهند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که گفتمان پنهان سیاسی رسانه‌های سعودی، به بازتولید قدرت خاندان سعودی و تضمین بقای این رژیم می‌پردازند. پان عربیسم و اسلام‌گرایی، توجیه‌های معاشناختی این رژیم‌اند که از راه رسانه‌های گروهی پراکنده می‌شوند و گفتمان سیاسی در عربستان، استوار بر دگرسازی و خصومت‌سازی بیشینه به ویژه با ایران به عنوان کانون تشیع و اسلام سیاسی است. در مقاله دیگری، علی کریمی فیروزجائی (۲۰۱۷) با عنوان «بررسی تیتروزرنامه‌های ورزشی از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی: مطالعه موردی مسابقات تیم‌های پرسپولیس ایران و الهلال عربستان» به بررسی تحلیلی-گفتمانی روزنامه‌های ورزشی ایران به مناسبت برگزاری دو تیم الهلال و پرسپولیس می‌پردازد. وی در این مقاله نشان داده که روزنامه‌های ورزشی ایران با به کار بردن واژه‌ها و تیتراهایی مانند «شلیک به سعود برای صعود، آتش ما تندتر از جهنم تو، پرسپولیس برد-الهلال مرد، قربانی کردن الهلال امشب حلال است و...» نوعی بازی و جنگ واژگانی با عربستانی را بازنمایی می‌کنند و مناقشات سیاسی مانند حادثه منا و فرودگاه جدّه که در زمان بازی این دو تیم، اذهان ایرانی‌ها را از سعودی‌ها تیره کرده بود، به وضوح خود را در این تیتراها نشان می‌دهند.

البته کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در پژوهش‌ها سابقه بیشتری دارد. به‌عنوان مثال لن هانس (۲۰۰۶) در کتاب «امنیت به مثابه شیوه عمل» از تحلیل گفتمان در سیاست خارجی و تفسیر جنگ بوسنی استفاده کرده است. نویسنده در این کتاب، توضیحات واضحی از نحوه‌گزینش متن‌ها جهت تحلیل گفتمان، پاسخ به سؤالات دشوار و نوع منابع مربوط و دلیل استفاده از آن‌ها ارائه می‌دهد و با توضیحات مبسوطی که ارائه می‌دهد، مخاطب را به اندیشه‌کاوی در گفتمان‌های غربی حول محور جنگ بوسنی وادار می‌کند. این کتاب با گفتمان‌های رقابتی که ریشه در فرهنگ غرب مانند نسل‌کشی، تنفر دیرینه، حقوق بشر و مسئولیت‌های غربی در ذیل نگاه «غرب برتر» دارد، جنگ بوسنی را تحلیل گفتمانی می‌کند. وی در این کتاب دو نزاع گفتمانی غرب و آمریکا در جنگ بوسنی و نوع نگاه سیاستمداران در این جنگ را انتقاد تحلیلی می‌کند و با مثال‌های بارز خود تفکر متضاد دو دیدگاه گفتمانی را به‌بوته نقد و تفسیر می‌کشانند. همچنین، جوراج هرواٹ (۲۰۰۹) با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی گفتمان سیاسی

اوباما» از گفتمان انتقادی فرکلاف برای تفسیر سیاسی اندیشه‌های اوباما استفاده می‌کند. او با واکاوی و تحلیل متن سخنرانی «تحلیف ریاست جمهوری اوباما»، به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های اصلی ایدئولوژیک سخنرانی اوباما در واژه‌هایی نظیر «عمل‌گرایی»، «لیبرالیسم»، «شمولیت»، «پذیرش تنوع مذهبی و قومی» و «وحدت ملی» بازنمایی شده و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی سخنرانی نشان می‌دهد که برجسته‌ترین کلمات به کار رفته توسط اوباما عبارتند از «ملت»، «نوین» و «آمریکایی‌ها» و نکته اصلی تأکید اوباما بر ضمیر شخصی «ما» است و این تأکید، نشان‌دهنده درک فراگیر اوباما از وضعیت جامعه آمریکا و نیاز به عنصر اساسی «وحدت» است، آن‌هم درست در زمانی که «تفرقه» به عنوان مهم‌ترین بحران، جامعه ملی آمریکا را تهدید می‌کند. سید علی اصغر سلطانی و مهدی مقدسی‌نیا نیز در مقاله «مواجهه مطبوعات ایران و عربستان در بازنمایی منا: فاجعه یا حادثه؟» سعی در بازنمایی انتقادی فاجعه منا در رسانه‌های دو کشور داشته‌اند. آن‌ها با کمک از نظریه تحلیل گفتمانی به این نتیجه رسیده‌اند که مطبوعات سعودی با سازوکارهایی گوناگونی چون نام‌گذاری خنثای این واقعه، استفاده از گزاره‌های دینی چون قضا و قدر، انتساب مسئولیت این حادثه به حجاج ایرانی و سپاه پاسداران و... مسئولیت را از عربستان سلب و افکار عمومی را به سوی ایران معطوف ساخته‌اند. بنابراین آنچه در این نوشتار صورت می‌گیرد یعنی تحلیل گفتمانی انتقادی سخنرانی ملک‌سلیمان هم در حوزه سیاست زبانی و هم در حوزه استفاده از نظریه امنیتی کردن، کار جدید و نو محسوب می‌گردد.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری به کار رفته در این مقاله، نظریه «امنیتی کردن»^۱ است. همراه با وقوع رویدادهای سیاسی و اجتماعی مانند سقوط دیوار برلین و اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی مبحثی در میان مطالعات امنیتی مطرح شد که آیا مفهوم نئورئالیستی می‌تواند این وقایع نوین امنیتی را توضیح دهد؟ این بحث از سوی کسانی مطرح شد که معتقد بودند علاوه بر تهدیدهای نظامی، طیف گسترده‌ای از خطرات گوناگون دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند زندگی بشر را به چالش بکشند (Munster, 2005, p.2). یکی از این نظریات امنیتی، «مکتب کپنهاگ»^۲ بود. دیدگاه مکتب کپنهاگ در آثار بری بوزان^۳ و آل ویور^۴ و... آمده است و تنها رهیافت جدید مبتنی بر مطالعات امنیتی است. این مکتب با رد نظامی محوری در مطالعات

^۱ - Securitization

^۲ - Copenhagen School

^۳ - Barry Buzan

^۴ - Ole Waever

امنیت، امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش می‌دهد (Mohsani & Salahi, 2011, p.615). این مکتب، امنیت را امری ذهنی می‌داند و اعتقاد دارد که امنیت به تصمیم کنشگران ارتباط دارد. در مکتب کپنهاگ، مسائل از طریق زبان به موضوعات امنیتی تبدیل می‌شوند و این زبان است که کنشگران یا موضوعات خاصی را به عنوان یک تهدید برای جوامع بازنمایی می‌کنند (McDonald, 2008, p.9) و از این رو دیدگاه بوزان به امنیت، نزدیک به نظرات پسا ساختارگراها است که امنیت را ذهنی و ساخته و پرداخته زبان می‌دانند (Khani; Shammohammadi & Soltani, 2013, p.58). در تفسیر مکتب کپنهاگ از امنیت، ذهن و زبان جایگاه بسیار بالایی دارند چرا که تحلیل‌گران این مکتب عقیده دارند که موضوع امنیت، گفتمانی است و از طریق نوعی کنش کلامی صورت می‌گیرد (Rostami; Ayoman & Karamian, 2016, p.198).

امنیتی کردن، روندی است که طی آن یک بازیگر، مسئله یا پویا یا بازیگر خاصی را به عنوان «تهدید وجودی» برای هدف مرجع خاص اعلام می‌کند. اگر مخاطبان این اعلام، آن را بپذیرند، این امکان فراهم می‌شود که سیاست عادی به حالت تعلیق درآید و در پاسخ به این بحران احساس شده، اقدامات اضطراری در پیش گرفته شود. در این معنا، امنیت عرصه مذاکره میان سخن‌گویان (بازیگران امنیتی‌ساز) و مخاطبان است؛ مذاکره‌ای که طی آن، هرچه سخن‌گو در داخل گروهی خاص بیشتر از موقعیت مرجع اقتدار برخوردار باشد، بیشتر می‌تواند مخاطبانش را متقاعد سازد. به دیگر سخن، امنیتی کردن را می‌توان فرایند قرار دادن مسئله خاص با توسل به کنش گفتاری (معمولاً توسط رهبران سیاسی) در قلمرو امنیتی (از طریق تهدید جلوه دادن آن) دانست. این امر به نوبه خود (در صورت موافقت مخاطبان مربوطه) تدابیر اضطراری و تعلیق سیاست عادی را با هدف مقابله با آن مسئله به دنبال خواهد داشت (Zarazadeh & Abarghoye, 2016, p.103).

به عبارت ساده‌تر، برای تضمین کارکرد صحیح این نظریه، الزاماً یک کنش‌گر امنیتی برای حفظ امنیت باید دست به اقدامی زند که توسط مخاطبان آن عمل، اقدام امنیتی درک و فهم شود (Diskaya, 2013, p.3). به همین جهت در نظر ویور یک امر سیاسی یا امنیتی همیشه امنیتی و حاد و به عبارت دیگر «امنیتی‌ساز» باقی نمی‌ماند و «امنیتی‌زدایی» وجه همیشگی موضوعات سیاست بین‌الملل است و ریشه امنیتی در کنه و ذات هیچ رویدادی در ازل و ابد باقی نمی‌ماند و امری قراردادی و زبانی است. در اینجا ویور ملهم از نظرات اشمیت است. اشمیت عقیده دارد که مسائل سیاسی، صرفاً از سرشت سیاسی‌شان فهمیده نمی‌شوند چرا که یک موضوع، زمانی ممکن است سیاسی باشد و زمان دیگر غیرسیاسی؛ بنابراین از ذات یک موضوع پی به سیاسی بودن آن نمی‌توان برد بلکه از مسائل و وقایعی که در یک زمان خاص به آن‌ها مرتبط

است، می‌توان این را نتیجه‌گیری کرد (Willaims, 2003, p.515). به همین صورت، از دیدگاه ویور و مکتب کپنهاگ یک موضوع عمومی می‌تواند در طیف گسترده‌ای از معانی قرار گیرد: ۱- امور غیرسیاسی (مسائلی که دولت به آن‌ها کاری ندارد و در تصمیمات گروهی قرار نمی‌گیرند) ۲- امور سیاسی (مسائلی که در حیطه دغدغه‌های نظارت دولت قرار می‌گیرند و نیاز به تصمیمات گروهی دارند) ۳- امور امنیتی (به مسائلی گفته می‌شود که با بقاء و موجودیت یک مجموعه مانند کشور سر و کار پیدا می‌کنند یا این‌گونه جلوه داده می‌شوند) ۴- امنیتی زدایی (زمانی که موضوعات از وجه امنیتی به امور غیرسیاسی برمی‌گردند) (Dehshiri et al., 2016, p.70).

از دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیتی کردن یک موضوع شامل چند جز است: «بازیگران امنیتی ساز»، «پدیده امنیتی»، «مخاطب»، «مرجع امنیت» و «بازیگران کارکردی». بازیگران امنیتی ساز، کنش‌گرانی هستند که امر امنیتی کردن را به عهده دارند و آن‌ها می‌توانند سیاستگذاران، دیوان‌سالاران و حکومت‌ها باشند. پدیده امنیتی مربوط به شرایط زمانی و مکانی است که پدیده در آن قرار گرفته است. مخاطب، همان طرف‌های متقابل بازیگران امنیتی ساز است و موضوع مورد نظر، باید به پسند و اقبال عمومی آن‌ها در آمده باشد. مرجع امنیت آن چیزی است که موجودیتش در مظان تهدید قرار گرفته است و بازیگران کارکردی، فقط بر تصمیمات حوزه امنیت اثر دارند و از سوی دیگر بازیگران امنیتی ساز، تنها مرجع امنیتی کردن یک موضوع هستند. بازیگران کارکردی می‌توانند یک مؤسسه مطالعاتی یا یک گروه ایده‌پرداز مسائل امنیتی باشند (Vosughi; Moradi far & Safari, 5004, p.179). به همین ترتیب، عملیاتی شدن امنیتی کردن، جریان سه مرحله‌ای است: نخستین مرحله، تصویرسازی از موضوعی مشخص به عنوان «تهدیدی وجودی» برای هدف مرجع است. مرحله دوم امنیتی کردن، زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی کننده، مخاطب را متقاعد کنند که هدف مرجع به طور جدی تهدید شده است. مرحله سوم امنیتی کردن نیز زمانی است که اقداماتی خاص (برای مثال تحریم، جنگ، شمات بین‌المللی، بیانیه و...) برای غلبه بر تهدیدات مشخص بشود. زیرا با امنیتی خواندن یک موضوع، ادعای استفاده از ابزارهای فوق‌العاده و اقدامات خارج از رویه‌های سیاسی نیز ضروری جلوه داده می‌شود. سرانجام، امنیتی زدایی، برگشت به رویه پیشین است، به این معنی که موضوعات از حالت اضطراری خارج و دوباره به جریان چانه‌زنی عادی در حوزه سیاسی برمی‌گردند. به عبارت دیگر، سیری است که در چارچوب آن موضوع‌های خاص از حوزه فراسیاسی و امنیتی خارج شده و به حوزه سیاست روزمره و عادی برگردانده می‌شوند (Daheshyar & Nazari, 2019, p.43). البته تأکید ویور بر امنیتی سازی نه به معنای اشتیاق ویور به امنیتی کردن هر پدیده غیرامنیتی است و اتفاقاً در همین جهت انتقادهای اخلاقی و معرفتی بسیاری به نظریه وی شده است (Taureck, 2006, p.55).

در حالی که به نظر ویور نباید حوزه امنیتی را گسترش داد بلکه باید بیشتر موضوعات را غیرامنیتی نمود. در واقع تلاش‌ها بیش از مطرح کردن مسائل و اهداف جدید، باید در زمینه جداسازی تدریجی مسائل از دستور کارهای امنیتی باشد. به تعبیری هدف باید تحدید روزافزون عرصه امنیت و در نهایت غیرنظامی کردن زندگی سیاسی باشد (Mutemr, 2001, p.392).

روش پژوهش

در مباحث امنیتی کردن چهار روش «تحلیل گفتمان»، «بوم‌نگاری»، «روندیابی» و «تحلیل محتوا» قابل استفاده است (Dehghni Firuz Abadi & Ghorshi, 2002, p.33) که متناسب با رویکرد جامعه‌شناختی متن سخنرانی ملک سلمان در این پژوهش و توجه به سه سطح تحلیل کارگزار، بافت و کنش، در نهایت روش تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر قرائت نورمن فرکلاف از قابلیت تبیین بهتری برای توصیف وجوه امنیتی سازی سخنرانی ملک سلمان دارد و به همین جهت در ذیل به بیان آن پرداخته می‌شود.

تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به «سخن کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی و... ظهور کرده است (Bahrampoor, 2000, p.7). تحلیل گفتمان انتقادی مرهون زحمات اندیشمندانی زیادی است که با قلم خود این نظریه را بسط و توسعه داده‌اند ولی افرادی مانند ون دایک، نورمن فرکلاف و گانزر کرین از متقدمان این نظریه هستند. تحلیل گفتمان انتقادی معتقد است تمامی رویکردها مسئله محورند و لازم است که مسائل، بین‌رشته‌ای و گزینشی مطالعه شوند. به علاوه تحلیل گفتمان انتقادی علاقه وافری به رمزگشایی از ایدئولوژی و قدرت از طریق تحقیقات داده‌ای رمزگشای سامان‌مند دارد (Wodak & Meyer, 2008, p.13). «ون دایک»^۱ معتقد است که تحلیل گفتمان انتقادی نوعی از پژوهش گفتمانی است که در وهله اول به دنبال مطالعه بر قدرت، چیرگی و نابرابری و سوءاستفاده از قدرت است که همگی از روی متن و گفتگو در بافتارهای سیاسی و اجتماعی تولید، وضع و تثبیت می‌شوند (Van Dijk, 2001, p.352). به عبارت دیگر گفتمان تحلیل انتقادی سعی دارد تا معنای گفتمان را کشف کند و این نوع معنا را از طریق گفتمان عیان سازد. این نظریه بنا دارد تأثیر ایدئولوژی‌ها بر

^۱ - Van Dijk

گفتمان و تأثیر برعکس گفتمان بر ایدئولوژی و اینکه چگونه این دو عنصر بر ساختار اجتماعی و روابط قدرت سایه افکنده یا تأثیر پذیرفته است را شرح دهد (Liu & Guo, 2016, p.1076).

بر مبنای توضیحات داده شده، تمام تلاش نظریه پردازان اسلاف حوزه گفتمانی، کشف و آشکارسازی زوایای پنهان قدرت موجود در متن یا همان کارکرد و نقش زبان به‌مثابه ابزاری قوی در تمام عرصه‌ها و من جمله سیاست است که به صورت هوشمندانه و غیرحساس برانگیز، در متن پنهان شده است. در این میان، نظریه «تحلیل گفتمان انتقادی»^۱ «نورمن فرکلاف»^۲ جایگاه ویژه‌ای در توضیح این هدف دارد. وی گفتمان را مجموعه‌ای به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن می‌داند. او بر این است که پیوند معناداری میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون را با یکدیگر پیوند می‌دهند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد (Fairclough, 2000, p.98). «قدرت» و «ایدئولوژی» دو واژه مطرح در این گفتمان هستند. در نظریه گفتمان انتقادی، قدرت برخلاف تعریف سنتی، به صورت چندوجهی تعریف می‌شود و حتی این نقش را دارد که در پوششی از متن و گفتمان، مخفی شود تا موجب ستیزه و اختلاف در جامعه نشود. این کار با تزویر و حيله صورت می‌گیرد به صورتی که قدرت را در بین کلمات مخفی می‌نمایند تا در مقام اثرگذاری، موجب جریحه‌دار شدن افکار عمومی نگردد. به این ترتیب گروه‌هایی که قادرند بازنمایی‌های دلخواه خود را به واسطه زبان در اذهان ایجاد کنند، قدرت را در اختیار خواهند داشت (Fazali, 2004, p.94). ایدئولوژی نیز مجموعه‌ای از آگاهی‌هایی است که به یک گروه از مردم یا جامعه اجازه می‌دهد به موارد خوب، بد، درست یا اشتباه ایمان بیاورند و بر طبق آن‌ها عمل نمایند. هژمونی حاکم در هر جامعه‌ای در نوع خود به طبیعی‌سازی ایدئولوژی رایج به عنوان یک حس مشترک و معقول وابسته است و هژمون از این طریق، ایدئولوژی را پنهان یا آشکار می‌سازد (Goatly, 2007, p.1).

فرکلاف نظریه خود را به‌مثابه تحلیل گفتمان این‌گونه تعریف می‌کند که «قصد دارد به طور سیستماتیک به بررسی روابط مبهم و غیرشفاف (الف) عمل گفتمان، وقایع و متن و (ب) ساختارها، روابط و روندهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی پردازد (Al-Momani, 2017, p.91). در بعد روش‌شناسی که مورد توجه ما در این پژوهش است، فرکلاف برای نظریه خود یک ساختار سه لایه‌ای تعبیه کرده است.

¹ - Critical Discourse Analysis

² - Norman Fairclough

این سه لایه عبارتند از: توصیف، تفسیر و تبیین. مرحله توصیف، با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد. مرحله تفسیر به ارتباط میان متن و تعامل پرداخته و متن را، محصول فرآیند تولید و منبع فرآیند تفسیر قلمداد می‌نماید و مرحله تبیین به بیان ارتباط بین تعامل و بافت اجتماعی و اینکه چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر جامعه قرار دارند، دلالت دارد (Karimi Firozjaee, 2018, p.112). ما در توصیف به دنبال بررسی خصلت‌های واژه‌ها، دستور زبان، نقطه‌گذاری، گونه‌های کنش‌گفتار که از حیث بیانی، مستقیم یا غیرمستقیم‌اند، خصلت‌های مرتبط با ساختار تعاملات و در نهایت خصلت‌های غیر زبانی متن، هستیم. در تفسیر به دنبال تجمیع «آنچه که در متن آمده» و «آنچه که در ذهن است» می‌باشد و در تبیین به دنبال جنبه‌های موقعیتی و بینامتنی متن هستیم (Ghorshi, 2016, p.110).

تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی ملک سلمان

نشست ریاض و هدف از برگزاری آن

مرکز بین‌المللی نمایشگاه و کنگره ملک عبدالعزیز در ریاض در ۲۱ می ۲۰۱۷ (خرداد ۹۷) شاهد حضور سران بیش از ۵۰ کشور اسلامی بود که به مناسبت سفر دونالد ترامپ به عربستان گرد هم آمده بودند تا در موضوعاتی مانند تحولات اخیر خاورمیانه به ویژه تروریسم و گروه‌های تروریستی-تکفیری تبادل نظر کنند (Anatoli, 21,5,2017). افتتاحیه این نشست به دست میزبان یعنی ملک سلمان بود و وی سخنرانی خود را با معضل تروریسم آغاز کرد و در ادامه ایران و گروه‌های متحد آن مانند حزب ا... و انصارا... را تروریست خطاب کرد. او سپس از دخالت‌های ایران در امور داخلی کشورهای منطقه شکوه کرد و همچنین ایران را محکوم کرد که به اقدامات مثبت و سازنده عربستان و کشورهای منطقه با سوءظن و فرصت‌طلبی پاسخ داده است. در نهایت ملک سلمان دخالت ایران در یمن را محکوم و با مردم ایران دلجویی نمود (Arab News, 22/05/2017).

تحلیل محتوا

توصیف^۱

در این مرحله سعی داریم با توجه به روش فرکلاف، ایدئولوژی و محتوای پنهان متن را آشکار سازیم. فرکلاف این کار را با تحلیل‌های زبان‌شناختی انجام می‌دهد تا مواضع ایدئولوژیک مولد متن را از ورای واژه‌ها و گزاره‌های متن مشخص کند. این گزاره‌ها گاه باید به صورت عیان و گاه از انسجام و وضعیت متن باید مشخص گردد به همین جهت فرکلاف از سه منظر «واژگان»، «دستور زبان» و «ساخت‌های متنی»

^۱- Description

این مهم را به سرانجام می‌رساند (Fairclough, 1996, pp.109-110). در دو مورد اول، یعنی واژگان و دستور زبان باید به سه نوع ارزش «تجربی»، «رابطه‌ای» و «بیانی» پرداخت. در ارزش تجربی ما به دنبال رد یا سرنخی از روشی هستیم که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود. در ارزش رابطه‌ای با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار داریم و ارزش بیانی نیز بیان کننده فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی متن هستند (Fairclough, 2000, pp.171-172). در ادامه به دنبال بازنمایی سطوح سه‌گانه ارزش‌های تجربی، بیانی و رابطه‌ای در سه سطح واژگان، دستور و در نهایت ساخت معنایی هستیم.

واژگان

ارزش‌های تجربی

ملک سلمان در سخنرانی خود از واژگان و مفاهیمی استفاده کرده است که بار ایدئولوژیک به همراه دارد و ما در ارزش تجربی در پی رمزگشایی از آن‌ها هستیم. در ارزش‌های تجربی ما به دنبال بار ایدئولوژی مستتر یا آشکار در متن هستیم. به عبارتی ارزش‌های تجربی به ما می‌گویند که چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیکی بین متون در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهند، در واژگان آن‌ها رمزگذاری می‌شود (Fairclough, 2000, p.172).

عبارت بندی دگرسان

عبارت بندی دگرسان یعنی عبارت بندی موجود مسلط و طبیعی شده به طور حساب شده‌ای جای خود را به عبارت بندی دیگری می‌دهد که در تقابل آگاهانه با آن قرار دارد (Fairclough, 2000, p.174). مولد متن، از طریق عبارت بندی دگرسان، عامدانه به دنبال این است که بار ایدئولوژیکی متن را برای مخاطب آشکار و حقیقی جلوه دهد و سپس از طریق انحراف افکار عمومی به مخاطب بفهماند که طرف مقابل این عقاید را ندارد و یا دشمن این عقاید است. ملک سلمان در متن سخنرانی خویش چندین بار از عبارت بندی دگرسان استفاده کرده است. او در بند اول سخنرانی خود بیان می‌دارد که کشورهای اسلامی باید در نوع مرادفات سیاسی و بین‌المللی خود، حق کشورهای قبیله‌ای و متعصب مذهبی را رعایت کنند و به عبارتی روح دموکراسی را نسبت به این کشورها لحاظ کنند و از آسیب زدن به آن‌ها شدیداً پرهیز نمایند. او سپس اشاره می‌کند که هر کس این کار را انجام ندهد در واقع به اسلام ضربه زده و تکرار این عمل در لوای اسلام، یعنی استفاده ابزاری از اسلام. او سپس بی‌درنگ از گروه‌ها و سازمان‌های متحد ایران در منطقه نام می‌برد که دقیقاً همین کار را می‌کنند و این‌گونه آن را توصیف می‌کند: «گروه‌های متحد

ایران مانند حزب ا...، حوثی‌ها و... مثال واضحی از این رویداد هستند»^۱ (Arab News, 22/05/2017). در این بیان عبارت‌بندی دگرسان ملوک سلمان کاملاً واضح است؛ او در ابتدا دستور به ارتباط و تعامل دموکراتیک با کشورهای قبیله‌ای و متعصب و پذیرش و همراهی با آن‌ها می‌دهد، سپس جوامعی را که این کار را انجام نمی‌دهند، تقبیح کرده و متهم به نفرت‌افکنی و افراط‌گرایی در جهان اسلام می‌کند. او بعد از اینکه نقشه خود را کامل شرح داد و دوست و دشمن را در این استراتژی مشخص کرد، از ایران و گروه‌های متحد او در منطقه، نام می‌برد که نه تنها دقیقاً این کار را انجام نمی‌دهند بلکه خلاف آن نیز رفتار می‌کنند، بنابراین آن‌ها جدا از اسلام و انسانیت هستند.

مورد دیگر در بند سوم سخنرانی مشاهده می‌شود. در این بند، ملوک سلمان اشاره به تاریخ تمدن ایران می‌کند. او می‌گوید که در ۳۰۰ سال تاریخ اخیر ایران، هیچ خبر یا رویدادی از افراط و تروریسم در این کشور گزارش نشده است و تاریخ ایران، از صفا و صمیمیت روابط ایران با سایر کشورها گواه می‌دهد. فقط در ۴۰ سال اخیر و هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران است که یک‌باره جهت سیاست‌های منطقه‌ای ایران تغییر کرده و به حمایت از گروه‌های تروریستی روی آورده است. در این بند نیز ملوک سلمان ابتدا به تاریخ‌نگاری روی آورده و حُسن هم‌جواری ایران با کشورهای منطقه و جهان را گوشزد نموده سپس با یک عقب‌گرد، انقلاب اسلامی ایران را عامل تروریست‌پروری ایران می‌داند. ملوک سلمان در اینجا با اشاره به روزگار مطلوب ۳۰۰ سال ایران و ایرانیان، تعمداً با گزینش عبارت‌های متضاد، سخنان قبلی خود را در تضاد آشکار با جمله قبلی خود قرار می‌دهد و این همان عبارت‌بندی دگرسان است.

عبارت‌بندی افراطی

عبارت‌بندی افراطی یعنی کاربرد نامعمول شمار زیادی از کلمات تقریباً هم‌معنا در عبارت‌بندی. این پدیده نشان‌دهنده شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است که ممکن است نشانگر این باشد که اینجا کانونی از مبارزه‌های ایدئولوژیک در حال جریان است (Fairclough, 2000, p.176). به‌عنوان مثال در این جمله «موفقیت چیزی نیست جز تلاش، پشتکار، همت، اجتهاد، عزم و اراده» نویسنده با آوردن شش واژه هم‌معنا، از عبارت‌بندی افراطی استفاده کرده است. ملوک سلمان در سخنرانی ۳۵۰ کلمه‌ای خود بارها از عبارت‌بندی افراطی استفاده کرده و در تمامی آن‌ها سعی کرده ایران را محور مبارزات خود قرار دهد و این کشور را با عبارت‌ها و کلمات پی در پی به گونه‌ای در انزوای قرار داده که شنوندگان به اصطلاح به غیر

^۱- Hezbollah and the Houthis, as well as ISIS (Daesh) and Al-Qaeda and others are clear examples.

دموکراتیک بودن ایران پی ببرند. ملک سلیمان سعی کرده این کار را با استفاده از کلمات حقوقی بین‌المللی انجام دهد.

ملک سلیمان در بند یک سخنرانی بعد از اینکه از کسانی نام می‌برد که از اسلام، استفاده ابزاری می‌کنند، اشاره می‌کند که اقدامات آن‌ها جز «نفرت پراکنی، افراط‌گرایی، تروریسم و اختلافات مذهبیه و قومی» ثمره دیگری برای جهان اسلام ندارد. استفاده از پنج عبارت تقریباً هم‌معنا، بار ایدئولوژیکی مولد متن را نشان می‌دهد که به چه میزان، فاعل این اقدامات، مورد نفرت جهان اسلام و جامعه بین‌الملل است و در انتها با نام بردن ایران و گروه‌های متحد ایران همچون حزب الله و... آن‌ها را مرتکبان این اقدامات برمی‌شمارد. در بند سه سخنرانی، اوج عبارت بندی‌های افراطی ملک سلیمان علیه ایران را شاهد هستیم. او اذعان دارد که ایران به اقدامات و ابتکارات مثبت کشورهای همسایه و منطقه با «جاه‌طلبگی‌های توسعه‌طلبانه، اعمال جنایت کارانه، دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، نقض فاحش قوانین بین‌المللی و نقض اصول حُسن هم‌جواری، هم‌زیستی و احترام متقابل» پاسخ داده است. استفاده از هفت عبارت هم‌معنا که همگی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل هستند، تلاشی است در جهت تخطئه کردن ایران و سعی در جهت نشان دادن ایران در نقض قوانین بین‌المللی که این کشور با اقدامات خود به این اصول حقوقی و اخلاقی ضربه می‌زند. همچنین در بند دوم، ملک سلیمان از دخالت ایران در کشورهای منطقه سخن می‌گوید و اقدامات ایران را با سه واژه «دست‌اندازی، ناآرامی و بی‌نظمی» توصیف می‌کند. این سه واژه نشان از کاربرد سه عبارت بندی افراطی است که ملک سلیمان با استفاده از آن‌ها، حجم دخالت‌های ایران در منطقه را تصویرسازی می‌کند و نوعی نفرت عمومی از دخالت‌های ایران در منطقه را برای مخاطبان تداعی می‌کند. طبیعی است نمونه‌های ذکر شده و کلاً این شیوه، بیان تلاش در جهت امنیتی کردن مسئله ایران برای مخاطبان است.

روابط معنایی

روابط معنایی با تعبیرهای ایدئولوژیکی و امنیتی ساز رابطه تنگاتنگی دارند. به عبارتی روابط معنایی چه «هم‌معنایی»، «شمول معنایی» و «تضاد معنایی» را غالباً می‌توان مرتبط با ایدئولوژی‌های خاص دانست (Fairclough, 2000, p.177). در مبحث روابط معنایی به دنبال این هستیم که چگونه گزینش برابره‌های واژگانی در متن به بازتاب گفتمان (Noruz & Farhod, 2016, p167). ایران هراسی ملک سلیمان کمک می‌کند. از بین کلمات «هم‌معنایی» می‌شود به دو واژه «پشتیبان و حامی» اشاره کرد؛ در جایی که ملک سلیمان رژیم ایران را علاوه بر دخالت در کشورهای منطقه به حمایت مالی و پشتیبانی از تروریسم در منطقه متهم می‌کند. «حُسن هم‌جواری، هم‌زیستی و احترام متقابل» نیز سه واژه هم‌معنا در حقوق و

کنوانسیون‌های بین‌المللی هستند که باید هر کشوری بر طبق اصول اخلاقی و موضوعی سازمان ملل متحد، در برابر دیگران آن‌ها را رعایت کنند و ملوک سلمان، ایران را ناقض آنان می‌داند.

در خصوص واژه‌های «شمول معنایی» می‌توان به «نفرت پراکنی، افراط‌گرایی و هراس افکنی» اشاره کرد که هر یک به یکدیگر می‌توانند بسط معنایی پیدا کنند. در خصوص واژه‌های «تضاد معنایی» به دو واژه «رژیم ایران و جامعه بین‌الملل» اشاره می‌شود. ملوک سلمان از آن جهت بین «ایران» و «جامعه بین‌الملل» تضاد برقرار ساخته، زیرا جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر در گیر دو مبحث چالشی «انرژی هسته‌ای» و «موشک‌های بالستیک» در سطح بین‌الملل و جامعه جهانی است. ملوک سلمان به فراست این نکته را درک کرده و در سخنرانی خود از این دو مبحث بحث برانگیز و شناخته شده استفاده کرده و از جامعه جهانی تقاضا کرده که جلوی آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی ایران را بگیرد. به عبارتی ملوک سلمان بین جامعه جهانی که مخالف بهره‌وری از فعالیت‌های هسته‌ای مخرب (در ذیل پیمان ان پی تی (NPT) سازمان انرژی اتمی) و منع استفاده و آزمایش موشک‌های بالستیک (در ذیل معاهده رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR)) است و جمهوری اسلامی ایران که از لحاظ جامعه جهانی ناقض این دو (یا مشکوک به نقض این دو) است، جدایی بیفکند و این دو را در مقابل هم قرار دهد. همین روش در مورد دو واژه «حُسن نیت و نقض اصول هم‌جواری» موجود در متن سخنرانی، برای ایران تکرار شده است.

ارزش‌های رابطه‌ای

در روش فرکلاف، در ارزش‌های رابطه‌ای به این نکته توجه می‌شود که چگونه انتخاب کلمات متن بستگی به روابط اجتماعی بین مخاطبین دارد و چگونه به ایجاد این روابط کمک می‌کند. ارزش‌های رابطه‌ای، روابط اجتماعی موجود و نهفته در متن را نشان می‌دهد به همین جهت با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سر و کار دارد (Fairclough, 2000, pp.172-178). فرکلاف در مورد ارزش‌های رابطه‌ای، به دو مبحث «حُسن تعبیر» و «واژگان رسمی و محاوره‌ای» عنایت دارد. «حُسن تعبیر» در اصطلاح، استفاده از کلمات ملایم، مؤدبانه و غیر محاوره‌ای، به جای کلمات گستاخانه، صریح و غیر مؤدبانه است (Mosavi & Badakhshan, 2016, pp.55-58). در سخنرانی ملوک سلمان چند نمونه از واژگان حسن تعبیر به چشم می‌خورد. ملوک سلمان قصد دارد با استعمال واژگان حسن تعبیر، حضار حاضر در نشست را با خود همراه کند. استفاده از کلماتی که عریان باشند و به نوعی تداعی گری‌ادبی و خارج از عرف دیپلماتیک باشد، ممکن است با اذهان عده‌ای از نمایندگان مسلمان حاضر در این نشست - که از قضا به علت مسلمان بودن و یا همسایگی با جمهوری اسلامی ایران روابط حسنه‌ای با این کشور داشته باشند - تطابق ذهنی و فعلی نداشته باشد لذا ملوک سلمان با رعایت کلمات مؤدبانه که غالباً آن‌ها را از حقوق بین‌الملل به عاریت گرفته

است، سعی می‌نماید مخاطبان را با خود همراه نماید و نوعی یگانگی با حضار ایجاد نماید تا آسان‌تر بتواند بار ایدئولوژیکی و امنیتی سازی سخنان خود را به مخاطبان منتقل کند و این رعایت اصل «متقاعدکنندگی مخاطب» است که پیش شرط نظریه امنیتی کردن است.

ملک سلیمان در بند دوم سخنرانی خود از عبارت «فعالیت‌های ثبات زدا» برای اقدامات جمهوری اسلامی ایران در منطقه استفاده کرده است. در واقع این عبارت به جای «دخالت در امور داخلی کشورها؛ پشتیبانی از گروه‌های تروریستی و مقاومت در منطقه؛ ایجاد آشوب و بی‌نظمی در شاکله امور کشورهای منطقه» آمده است که در همان بند اشاره‌هایی به همین معانی در آن شده است. به همین ترتیب «نقص اصول هم‌جواری» به جای «دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه» آمده است؛ «نقص هم‌زیستی و احترام متقابل» به جای «ایجاد بی‌اعتمادی و پیش‌بینی‌ناپذیری رفتار معقول و منطقی در برابر همسایگان» و «سکوت و خردمندی» به جای «حمله و آرایش نظامی یا مقابله به مثل برابر» آمده است. دومین مبحث در خصوص ارزش‌های رابطه‌ای مطرح در روش فرکلاف، استفاده از «واژگان رسمی» است. این متن کاملاً رسمی است و در یک نشست دیپلماتیک با حضور ۵۰ کشور است که از واژگان رسمی با بار معنایی ارزش‌های رابطه‌ای به کرات استفاده شده است. کاربرد این واژگان به وضوح تلاش در جهت امنیتی سازی مسئله برای مخاطبان از سوی ملک سلیمان است. در زیر تعدادی از واژگان رسمی و معادل واژگان آنان که غیررسمی، نیمه‌رسمی و محاوره‌ای تر است، دیده می‌شود.

جدول (۱): واژه‌های رسمی، نیمه‌رسمی و غیر رسمی موجود در سخنرانی و معادل آن در فارسی

معادل فارسی	واژه غیررسمی و یا نیمه‌رسمی	واژه رسمی
محکوم کردن	Reprove	Condemn
بهره گرفتن	Use	Exploit
مربوطه / وابسته	Related	Affiliated
زشت / شنیع	Ugly; Hideous; Bad	Abhorrent
افراط‌گرایی	Fanaticism	Extremism
جنایی / بزه‌کار	Penal	Criminal
هرج و مرج	Helter-skelter	Chaos
انهدام	Damage	Devastation
هم‌زیستی	Symbiosis	Coexistence

منبع: نویسندگان

کاربرد و استفاده از واژگان رسمی در یک گفتمان و یا یک سخنرانی دلایل زیادی دارد که می‌توان بیانگر مؤدب بودن، ملاحظه مخاطبین برای حفظ وجهه یکدیگر، احترام به شأن و مقام دیگری (Fairclough,

(2000, p.180) و از اعتبار انداختن طرف مقابل در انظار مخاطبین و امنیتی نمودن مسئله ایران در اذهان مخاطبان از طریق تبدیل مسائل سیاسی به مسائل حاد و امنیتی در متن باشد. مبتنی بر قرائت فرکلاف، کاربرد واژه‌های رسمی، بیان‌گر تصریح در نوع رابطه میان مخاطبین متن است. در این راستا مولد متن در صدد است تا بین خود و مخاطب «فاصله» گذارد و به هدف مورد نظر یعنی تعریف جایگاه برتر برای خود و جایگاه پست‌تر برای مخاطب دست یابد. حاصل شکل‌گیری این دو جایگاه برای مخاطبین تبعیت مخاطب از مولد متن و سیطره ایدئولوژیک آن است (Ghorshi, 2016, p.114). در اینجا، عربستان سعودی به عنوان مولد متن در جایگاه برتر و طرف مقابل ایران است که در جایگاه پایین‌تر قرار گرفته است.

ارزش‌های بیانی

مولد متن در ارزش‌های بیانی به دنبال این است که ایدئولوژی خود را از جهان خارج به نمایش بگذارد و بدین طریق برداشت خود را از امنیتی کردن مسئله یا موضوع مورد بحث حقیقی و صحیح جلوه دهد. هر فردی در طی زندگی از جهان خارج خویش، ادراکاتی برداشت می‌کند و عامدانه یا حتی ناخودآگاه به یک سری از واقعیات و اعتقادات پایبند می‌شود. در این حال نویسنده/گوینده، این اعتقادات را در متن خویش بروز می‌دهد. به دیگر سخن، ارزشیابی مولد متن از جهان خارج در ارزش‌های بیانی دیده می‌شود. در این سخنرانی، مولد متن سعی دارد نشان دهد که احترام به حقوق و پیمان‌های بین‌المللی، همراه شدن با امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای، رعایت اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها مطابق با منشور سازمان ملل، پرهیز از امور تفرقه برانگیزانه و آشوب‌ساز که همگی در لوای تعاریف حقوق بین‌الملل بازنمایی شده‌اند، بیانگر نوعی ارزش بیانی مثبت هستند و عدم رعایت آنان، موجب طرد شدن از ترتیبات منطقه‌ای توسط کشورهای همسایه می‌شود که دارای بار ارزش بیانی منفی و حاصلی جز انزوا و در مضیقه قرار گرفتن مردم آن کشور، حاصل دیگری ندارد.

دستور زبان

ارزش‌های تجربی

جنبه‌های تجربی دستور زبان با روش‌هایی سر و کار دارند که به موجب آن‌ها، صورت‌های دستوری یک زبان به رمزگذاری اتفاقات یا روابط میان انسان‌ها یا اشیایی که در این اتفاقات یا روابط دخیل هستند، می‌پردازند (Fairclough, 2000, p.184). در این قسمت فرکلاف به دو مشخصه جملات «معلوم / مجهول» و «مثبت / منفی» عنایت دارد. بررسی و تحلیل سخنرانی نشان می‌دهد که تمام جملات به کار رفته در این سخنرانی به صورت جملات معلوم است به غیر از دو مورد. یکی از آن‌ها، جایی است که ملک سلمان توصیه به رعایت روابط دموکراتیک مسلمانان با کشورهای فرقه‌ای و متعصب می‌کند: «این قبیل

افعال نفرت‌انگیز فقط نتیجه‌ای از سوء استفاده از اسلام در پوششی از مقاصد سیاسی است»^۱ (Arab News, 22/05/2017). ملک‌سلیمان در این جمله به دنبال مخفی کردن کنشگری و سببیت فاعل/فاعلان این اقدامات نفرت‌پراکننده موجود است. او قصد دارد تا کنش‌گر را در شرایط شروع سخنرانی مخفی نماید تا زمینه‌چینی برای ادامه سخنرانی فراهم کند و توضیح بیشتری برای اتهام به ایران و گروه‌های وابسته به او - که در آخر پاراگراف به وضوح بیان شده است - فراهم کند تا مخاطبان او که سران ۵۰ کشور در اجلاس هستند، به سرعت با او مخالفت نمایند بلکه به آرامی ذهن آنان با توضیحات عجیب شود و به دلایل او گوش دهند و جای هر گونه اعتراضی گرفته شود. (متقاعدسازی مخاطب)

در خصوص کاربرد جملات مثبت یا منفی در متن نیز باید گفت که ملک‌سلیمان به غیر از دو جمله، در تمام جملات خود از جمله‌های مثبت استفاده کرده است. یکی از آن‌ها در آخرین بند متن سخنرانی مشاهده می‌شود: «البته، ما در عین حال می‌گوییم و تصدیق هم می‌کنیم که به ملت ایران احترام گذارده و از آن‌ها قدردانی می‌کنیم چرا که این ملت مقصر و سزاوار سرزنش به خاطر اعمال جنایت‌کارانه رژیم خود، نیست»^۲ (Arab News, 22/05/2017). فرکلاف عقیده دارد که نفی آشکارا و استفاده از واژه‌ها و جملات منفی، بار ارزش تجربی جملات را نشان می‌دهد و این روش به بهترین وجه نشان می‌دهد که چه چیزی واقعیت دارد و چه چیزی واقعیت ندارد (Fairclough, 2000, p.191). ملک‌سلیمان با جمله منفی خود مبنی بر مقصر نبودن ملت ایران به خاطر اعمال جنایت‌کارانه نظام ایران، حساب این ملت را از دولت آن جدا کرده و مراتب قدردانی و احترام خویش را به ملت ایران ابراز کرده است. با این کار روند امنیتی کردن، اقدامات دولت ایران و بالطبع نظام سیاسی ایران از حساب ملت ایران جدا می‌شود و مخاطبان فرصتی برای دلسوزی و پاسداشت جایگاه شهروندان ایرانی که در تحریم‌های ۴۰ ساله آسیب‌های فراوانی دیده‌اند، پیدا می‌کنند و در برابر هر مقاومتی که از بابت نگرانی شهروندان دارند، آسوده می‌شوند. با این کاربردها، شدت امنیتی سازی به گونه‌ای است که به جامعه ایران نیز سرایت داده می‌شود و مردم ایران نیز به عنوان بخشی از مخاطبان دیده می‌شود که حسابش از دولت ایران جداست.

¹ - Such abhorrent acts are only made as a result of attempts to exploit Islam as a cover for political purposes.

² - We say this, as we confirm, at the same time, our appreciation of and respect to the Iranian people, who will not be blamed for the crimes of their regime.

ارزش‌های رابطه‌ای

فر کلاف در رابطه با ارزش‌های رابطه‌ای بر دو مورد تأکید دارد: وجه‌های جمله و ضمائر.

وجه جمله

در این مورد، سه وجه اصلی وجود دارد که «خبری»، «پرسشی دستوری» و «امری» نام دارند. در سخنرانی ملک سلمان تمام جملات از وجه خبری برخوردار هستند. وجه‌های خبری از قاعده «فاعل + فعل + بقیه جمله» پیروی می‌کنند و در آن جایگاه فاعل گوینده/نویسنده جایگاه دهنده اطلاعات و جایگاه مخاطب، جایگاه دریافت‌کننده اطلاعات است. به عقیده فر کلاف، خواستن چه برای کنش از جانب دیگری و چه برای دریافت اطلاعات از دیگری، معمولاً از جایگاه قدرت صورت می‌گیرد، همان‌طور که ارائه اطلاعات نیز این چنین است به جز در مواردی که اطلاعات خواسته می‌شود (Fairclough, 2000, p.192).

ملک سلمان در جملات خود-که همگی خبری هستند- به گونه‌ای رفتار می‌نماید که از جایگاه قدرت و اقتدار است و هر چند که وجه این نوع جملات، ارائه اطلاعات است اما به نوعی اطلاعات را منتقل می‌کند که گویی تصمیم جمعی را در از سوی خود و حضار به ایران منتقل کرده است. (متقاعدسازی مخاطب) مخاطبان سخنرانی ملک سلمان، دو دسته هستند. اولین و مستقیم‌ترین مخاطب، مقامات بلندپایه نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و دومین مخاطب، حضار شرکت‌کننده در نشست افتتاح اجلاس ریاض هستند. در مورد مخاطب اول، جملات، قصد هشدار و اتمام حجت دارند و در مورد مخاطب دوم، هدف، قصد همراه سازی و عدم اعتراض آنان به ایران ستیزی نهفته در سخنرانی برنامه‌ریزی شده ملک سلمان است. جالب اینجاست گرچه تمام جملات به ظاهر خبری و خنثی هستند (یعنی جملات فقط در مقام ارائه اطلاعات بازگو شده‌اند) اما معنای آن‌ها در جهتی است که اقتدار خود را از مقام فرادست به مقام فرودست یعنی جمهوری اسلامی ایران عرضه شده است. به عنوان مثال این جمله: «نظام ایران و سازمان‌ها و گروه‌های وابسته به آن، از حزب ا... و حوثی‌ها گرفته تا القاعده و داعش، مثال بارزی از این رویدادها هستند»^۱ (Arab News, 22/05/2017). نشان‌دهنده ایران و گروه‌های همراه او است که از اسلام استفاده ابزاری می‌کنند و همچون کشوری فرو رفته در نقاب رأفت و برادری اسلامی، «نامنی» و «افراط‌گرایی» را به کل منطقه سرایت می‌دهند. در وهله اول این جمله خبری است که فقط قصد ارائه اطلاعات دارد ولی در واقع،

^۱ - The Iranian regime and its affiliated groups and organizations such as Hezbollah and the Houthis, as well as ISIS (Daesh) and Al-Qaeda and others are clear examples.

قصد مخدوش سازی و جهت‌گیری ایران در نزد ۵۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی را با خود به همراه دارد. یا در بند سوم ملک‌سلیمان اظهار می‌دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران از زمان شروع انقلاب، پیش‌تاز و پیش‌قراول تروریسم منطقه‌ای است. این جمله نیز از مظهر اقتدار عربستان سعودی نشأت می‌گیرد که از سوی آمریکا مأموریت مبارزه با بنیادگرایی در منطقه را بر عهده دارد و ایران را مظهر تروریست در منطقه اعلام می‌نماید.

کاربرد ضمیر ما و شما

در تحلیل گفتمان انتقادی «خود» و «خودی» در مقابل «دیگر» یا «غیر خودی» مطرح است. آن‌هایی که به لحاظ خط‌مشی سیاسی و نوع نگرش به مسائل و پدیده‌ها در گفتمان ما قرار دارند خودی و آنانی که را که در زیر چتر گفتمان رقیب قرار دارند، آن‌ها را یا غیر خودی یا دیگری می‌نامند. حس روح جمعی و ایجاد وحدت و هویت با کاربرد ضمیر اول شخص جمع «ما» پدیدار می‌گردد که با ضمیر دوم شخص جمع «شما» در تقابل است؛ به عبارت دیگر خود و دیگری و گفتمان مربوط به هر یک در سطح توصیف با ضمایر «ما» و «شما» مرزبندی و رمزگشایی می‌شوند (Rashidi; Baghari Khalili & Pirooz, 2017, p.46).

ملک‌سلیمان به کرات در سخنرانی ۳۰ سطری خود از واژه‌های جمع «ما»، «مان» و «منطقه»^۱ استفاده کرده است. به نحوی که در متن سخنرانی ملک‌سلیمان، ۱۴ بار از واژه‌هایی که بیانگر جمع هستند، استفاده شده که واژه We با ۴۴ درصد فراوانی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و سپس ضمیر ملکی Our و کلمه جمع بسته شده با واژه Region هر دو ۲۸ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. ضمیرهای جمع، برای هویت‌سازی و اتحاد بین کشورهای حاضر در اجلاس به کار رفته و در مقابل به جای لفظ «شما» (You) از واژه Iranian Regime استفاده شده است. استفاده مکرر از واژه‌های جمعی در این سخنرانی نشان می‌دهد که ملک‌سلیمان به شدت علاقه دارد که در این نشست، صحبت‌های خود را به عنوان یک خطابه جمعی و هشدارآمیز از سوی جمع به جمهوری اسلامی ایران خطاب کند. او در سخنرانی خود قصد دسته‌بندی و هویت‌بندی حضار به عنوان خودی در مقابل ایران که غیر خودی است دارد. وی متن سخنرانی خود را با کلمه «ما»، به عنوان عده‌ای از کشورها و افراد» شروع می‌کند و در همان شروع سخنرانی، به جمع القاء می‌کند که وی به عنوان یک نماینده از بین ۵۰ کشور و تنها به خاطر میزبان بودن است که تریبون را در اختیار دارد و گرنه این صحبت‌های دولت سعودی نیست بلکه حرف همه کشورهای شرکت‌کننده است و

^۱ - We; Our; Region

از سوی دیگر قصد دارد این نکته را به ایران گوشزد کند که این هشدارها و تحذیرات کشور سعودی نیست بلکه حرف کل دولت‌های حاضر در نشست است.

ارزش‌های بیانی

وجهیت بیانی همانند وجهیت رابطه‌ای با اقتدار گوینده یا نویسنده سروکار دارد با این تفاوت که مسئله اقتدار در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد یعنی وجهیت ارزیابی گوینده / نویسنده از صدق یک موضوع (Fairclough, 2000, p.193). برای پی بردن به ارزش‌های بیانی در متن باید به دنبال جملاتی باشیم که به صورت وضوح تعهد مطلق تولیدکننده متن به صدق گزاره کاملاً مشخص باشد (Fairclough, 2000, p.197). به عبارت دیگر جمله باید دارای معنای مشخصی باشد که یک واقعیت را کاملاً بیان نماید و در تعهد نویسنده به آن هیچ شکی نباشد. ملک سلمان در بند دوم سخنرانی خود اظهار می‌دارد: «جامعه جهانی باید به دنبال راهکاری باشد تا به برنامه‌های موشکی بالستیک و هسته‌ای ایران پایان دهد»^۱ (Arab News, 22/05/2017). در این جمله ملک سلمان به‌طور قاطع از جامعه جهانی می‌خواهد که در برابر جمهوری اسلامی ایران که خلاف کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی مبنی بر منع انجام آزمایش‌های موشکی و اتمی دست به این‌گونه آزمایش‌ها می‌زند، واکنش نشان داده و با کمک مواد تنبیهی مندرج در قوانین بین‌المللی، ایران را از ادامه این‌گونه آزمایش‌ها منع کند. ملک سلمان در آدای این جمله اصلاً تردیدی ندارد و می‌داند که نه تنها عربستان بلکه کل جامعه جهانی نیز نمی‌تواند در برابر این تخلف مشهود بین‌المللی ایران ساکت بماند و باید چاره‌ای در برابر ایران اندیشیده شود. ارزش بیانی به شدت در این جمله دیده می‌شود زیرا این جمله صورت وجهی مطلق ملک سلمان است که یک صدق را (در اینجا لزوم پایبندی تمامی کشورها از جمله ایران به معاهدات بین‌المللی هسته‌ای و موشکی) تأیید می‌کند و نظر خود را بدون تفسیر، بازنمایی و با قاطعیت به مخاطبان خود منتقل می‌کند.

ساخت‌های متنی

نحوه ساخت در متن سخنرانی

با نگاه به متن سخنرانی ملک سلمان یک الگو و ساخت چهار مرحله‌ای دیده می‌شود. آن‌ها به ترتیب عبارتند از: ۱- چستی ماجرا (تروریسم)؛ ۲- عوامل اجرایی ماجرا (عوامل دخیل در اشاعه تروریسم)؛ ۳- آثار بلافصل؛ ۴- دلجویی از عوامل غیر دخیل در ماجرا. در چستی ماجرا، ملک سلمان به ریشه‌های

¹ - The International community must work to put an end to the Iranian regime's nuclear and ballistic missiles program.

تروریسم در منطقه می‌پردازد که چگونه استفاده ابزاری از اسلام منجر به بروز تروریسم در منطقه شده است و در همین مبحث ادامه می‌دهد که گروه‌های انصارا...، حزب ا... و... که وابسته به ایران هستند، از اسلام استفاده ابزاری می‌کنند و در نتیجه تروریست پرور هستند. در عوامل اجرایی ماجرا، سلمان اذعان می‌دارد که اقدامات جمهوری اسلامی ایران به این ریشه‌ها (تروریسم) عمق بیشتری داده است. در آثار بلافصل، اشاره می‌شود که عدم اقدام عاجل کشورهای حاضر در اجلاس و عدم پاسخ قاطع این دسته از کشورها به ایران، موجب عمیق‌تر شدن ریشه‌های تروریستی ایران در منطقه شده است و در بخش دلجویی سخنرانی، از ملت ایران قدردانی شده و حساب ملت ایران از نظام ایران جدا شده است. در مرحله «توصیف» با تحلیل واژه‌ها و عبارات دستوری و واژگانی به دنبال واشکافی عناصر قدرت موجود در این جملات و چگونگی استفاده از واژه‌ها برای بیان مقاصد سیاسی و امنیتی بودیم و به عبارتی با ویژگی‌های صوری متن سر و کار داشتیم. در این مرحله به برجسب‌دهی ویژگی‌های صوری به متن اکتفا شد و متن به‌مثابه شیء در نظر گرفته شد تا ارتباط خام این واژه‌ها با معانی که در پس آن‌ها نهفته است، سنجیده شود.

تفسیر^۱

در مرحله تفسیر روابط بین فرآیندهای تفسیری و تولید گفتمان سنجیده می‌شود. در این مرحله گفتمان به‌مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن در نظر گرفته می‌شود و به عبارت دیگر به گفتمان در مقام کردار اجتماعی نگریسته می‌شود. «تفسیر ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود از ذهنیت مفسر دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد» (Fairclough, 2000, p.215). فر کلاف در سطح تفسیر به بررسی دو گونه بافت موقعیتی و بافت بینامتنی می‌پردازد. در حقیقت در این قسمت، به متن به منزله کردار اجتماعی نگریسته می‌شود و ارتباط میان متن با جهان پیرامون مشخص می‌شود. این قسمت در تعامل کامل با افراد دخیل در به وجود آورنده متن و گذشته‌های تاریخی آن است که متن از لحاظ تاریخی ریشه در آن دارد به همین جهت است که برخی به تفسیر «عمل گفتمانی» می‌گویند چرا که از هر نظری به فعل فاعلان خود ارتباط دارد که چگونه و با چه کیفیتی متن را در جهان خارج رقم بزنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱- Interpretation

بافت موقعیتی

بر مبنای بافت موقعیتی مورد نظر فر کلاف، در این قسمت به دنبال بیان چگونگی تأثیر موقعیت و شرایط در سخنرانی ملک سلمان هستیم. فر کلاف در این باره می‌گوید: «در بافت موقعیتی، مفسر، چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر نوع گفتمان مربوطه را مشخص می‌کند (Fairclough, 2000, p.215). بررسی موقعیت نیز ریشه در چهار موضع دارد که به ترتیب عبارتند از: چیستی ماجرا، طرف‌های درگیر در ماجرا، روابط میان افراد درگیر در ماجرا و نقش زبان. در نگرش فر کلاف، چیستی ماجرا سه جزء دارد که عبارتند از: «فعالیت»، «عنوان» و «هدف». نوع «فعالیت» در اینجا سخنرانی ملک سلمان در افتتاح نشست ریاض در می ۲۰۱۷ است. «عنوان» فعالیت صورت گرفته، برشماری ریشه‌های تروریسم و کشورهای دخیل در شیوع آن در خاورمیانه است. در نهایت «هدف» از فعالیت؛ شناسایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عامل اصلی ریشه‌های تشّت، ناآرامی، تروریسم و... در خاورمیانه است.

موقعیت بعدی «طرف‌های درگیر در ماجرا» نام دارد. در این موقعیت، فاعلان به سه گروه تقسیم می‌شوند. در سر رأس آن‌ها عربستان سعودی و پادشاه این کشور به عنوان سخنران در مقام میزبانی این نشست است. گروه دوم ۵۰ کشور اسلامی هستند که همگی یا عضو اتحادیه عرب و یا عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند و طرف سوم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان میهمان این نشست می‌باشد. موقعیت سوم «روابط بین افراد درگیر در ماجرا» است. در این موقعیت باید گفت که کشورهای دخیل در ماجرا به دو دسته تقسیم می‌شوند. اول؛ کشورهای طرفدار غرب و واضعان حفظ وضع موجود قرار دارند که به محافظه‌کاری علاقه‌مندند و به بنیادهای اساسی و اصولی حقوق سیاسی-فلسفی غرب پایبندند. دوم؛ جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که کشوری انقلابی و طرفدار تغییر شدید وضع موجود است و اکثر بنیادهای غربی را به چالش می‌کشانند. نقش زبان نیز از دو منظر قابل بررسی است: اول؛ نقش تبلیغی که در اینجا زبان به ابزاری سیاسی و امنیتی برای ملک سلمان تبدیل شده و وی با استعانت از ابزارهای زبانی و پروتکل‌های بین‌المللی موجی از ایران‌هراسی در نشست به راه انداخته است. دوم؛ نقش زبان در اتهام زنی به جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های وابسته به آن است که وی آن‌ها را تروریست می‌داند و سعی دارد با زبان که در جای خود مجهز به ابزارهای حقوقی و پیمان‌های بین‌المللی است، جمهوری اسلامی ایران را تخطئه نماید و او را ناقض تمام اصول و هنجارهای بین‌المللی معرفی نماید.

بافت بینامتنی

در بررسی بینامتنی به زمینه‌های مشترک و پیش‌فرض‌های مخاطبین توجه می‌گردد. فر کلاف معتقد است: «گفتمان‌ها و متون آن‌ها خود دارای تاریخ‌اند و متعلق به مجموعه‌های تاریخی هستند و تفسیر بافت

بینامتنی به این موضوع بستگی دارد که متن را متعلق به کدام مجموعه بدانیم و در نتیجه چه چیزی را میان مشارکین، زمینه مشترک و مفروض بخوانیم» (Fairclough, 2000, p.230). بنابراین در بخش بینامتنی باید به دنبال توضیحات مرتبط پیشین و زمینه‌های تاریخی آن از لحاظ همانندی‌های اتهامی به جمهوری اسلامی ایران باشیم چرا که فرض بر این است که هر متنی ادامه و استمرار متون گذشته است و پیشینه‌های تاریخی آن، زمینه حواشی و اضافات به متون دیگر است و گرنه هیچ علمی تألیفی مطلق نیست. در همین رابطه ژاک دریدا اندیشمند پساساختارگرا معتقد است که «هر متن ادبی، متأثر از سایر متون است و نمی‌توان هیچ متنی را واحد دانست و معنای متن در فقط خود آن متن یا حتی در آنچه مؤلف تعیین می‌کند، نیست. یعنی هر آنچه می‌گوییم و می‌نویسیم نه تنها متأثر از سایر متون است، بلکه معنای آن نیز در پیوند با سایر متون ساخته می‌شود» (Moshirzadeh, 2007, p.255).

از دریچه تاریخ‌نگاری می‌توانیم این متن را به سایر موارد اتهامی از سوی کشورها یا جوامع بین‌المللی ارتباط دهیم که در آن جمهوری اسلامی ایران را به تروریسم یا در سطح پایین‌تر، به عدم رعایت هنجارهای اجتماعی و بین‌المللی متهم کرده‌اند. تعدادی از این موارد به شرح ذیل است: اتهام ایران به دست داشتن در انفجار پایگاه نظامی الخُبر عربستان، ادعای تحریک شیعیان منطقه شرقی عربستان توسط ایران، الگوی برداشتی جیهمان‌العتیبی از انقلاب ایران در قضیه اشغال مسجدالحرام، محورت شرارت خواندن ایران توسط ریاست جمهوری آمریکا، بیانیه‌های هر ساله نقض حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد (به جز دو سال)، حمایت از حزب ... در لبنان به عنوان یک گروه شبه‌نظامی و ... در تمام این حوادث، جمهوری اسلامی ایران به‌نوعی محکوم به فعالیت‌های تروریستی یا نقض فاحش قواعد و هنجارهای بین‌المللی شده است و سخنرانی ملک‌سلیمان ادامه تاریخی این اتهامات به گونه دیگر است. به‌عنوان مثال جیهمان‌العتیبی منتقد شیعی دولت سعودی در سال ۱۹۷۹ و به تأسی از انقلاب ایران به همراه عده‌ای به مسجدالحرام پناهنده شدند و برای چند روز آنرا اشغال کردند. دولت سعودی بعد از مدت کوتاهی صبر و مذاکره عاقبت با نیروی نظامی غائله را ختم نمود. سران سعودی، انقلاب اسلامی و شعار صدور انقلاب را مقصر معنوی این حادثه دانستند که منجر به کدورت روابط بین ایران و عربستان شد.

تبیین^۱

زمانی که یک متن ساخته و پرداخته می‌شود باید دید که واقعیت‌های تاریخی، ساختاری، نهادی و اجتماعی چه تأثیری در فرآیند تولید آن متن داشته‌اند. به عبارتی انسان با وجود فشارها و تنگناهای ساختاری نمی‌تواند با آزادی مطلق سخنوری کند و باید با توجه به واقعیت‌ها و ارزش‌های پذیرفته شده جامعه خود، سخن گوید. هدف از قسمت تفسیر نیز ارتباط بین ساختارهای نهادی و اجتماعی با متن تولیدی مورد نظر است. در حقیقت در مرحله تبیین ما به دنبال این هستیم که گفتمان حاضر چه تأثیری بر ساختارهای اجتماعی می‌گذارد و برعکس، ساختارهای اجتماعی تأثیر خود را بر گفتارها تا چه حد و چگونه گذاشته‌اند. در این خصوص دو سؤال اساسی مطرح است که پاسخ آن‌ها، تبیین را مشخص می‌سازد.

گفتمان سخنرانی ملک سلمان به کدام فرایندهای نهادی تعلق دارد؟

این سؤال به «مناسبات قدرت» ارتباط می‌یابد. سخنرانی ملک سلمان از حیث نهادین، محصول فرآیند عقل جمعی و فرآیند اجتماعی است که ملک سلمان از سوی حضار شرکت‌کننده و شخصیت‌های حقوقی سازمان‌ها و کشورهای شرکت‌کننده به کام خود بهره‌برداری کرده است. این سخنرانی از یک‌سو بازتاب منافع فردی شخص ملک سلمان و ایدئولوژی ملی - مذهبی عربستان سعودی است و از سوی دیگر نشان از همراهی کشورها و سازمان‌های شرکت‌کننده در نشست و تبعیت آن‌ها از هنجارها، قواعد و حقوق بین‌الملل است که تروریسم را محکوم و حرکت‌های ضد تروریستی و مبارزات علیه جرائم‌های سازمان یافته را تشویق می‌نمایند.

گفتمان سخنرانی ملک سلمان به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارد؟

این سؤال، در ذیل مبحث «مبارزات اجتماعی» معنا می‌یابد. فرآیندهای اجتماعی این سخنرانی از دو منظر قابل بررسی است: ۱- رقابت‌ستیزی چند دهه‌ای عربستان با ایران در منطقه و بازتاب آن در سخنرانی حاضر ۲- اتهام‌زنی به ایران از طریق فعالیت‌های ضد تروریستی و ضربه زدن به ایران در پرتو این مبارزه اول؛ رقابت‌های دیرینه عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران در منطقه است که بازتاب خود را در این سخنرانی نشان داده است. عربستان سعودی در منطقه به دنبال موازنه سازی با ایران است و در بسیاری از منافع و نقطه نظرات، با جمهوری اسلامی ایران اختلاف منافع دارد. تضاد عربستان با ایران در یمن، اختلافات و هماوردهای سیاسی این دو در صحنه سیاسی لبنان، تأثیرگذاری ایران بر شیعیان

^۱- Explanation

عربستانی، اختلاف عقیده بر سر ادامه حکومت بشار اسد در سوریه، حمایت ایران از حزب ا... و ... مواردی هستند که این دو کشور را در منطقه به دشمنان یکدیگر تبدیل کرده است (Ramazanzadeh; Bashrati & Hashemi, 2003, p.147) و حاصل آن را در این سخنرانی ملک سلمان و اتهامات او به ایران در یک نشست بین‌المللی در حضور بیش از ۵۰ سران کشورهای مختلف شاهد هستیم. مورد دوم به مبارزات و استفاده از فعالیت‌های ضد تروریستی - که عرفی کاملاً پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل است - برمی‌گردد. امروزه مبارزه با تروریسم به دلیل اشاعه جهانی نفرت پراکنی و دهشتناک بودن به یک امر جهانی و مقدس تبدیل شده که مورد اقبال تمام کشورها - حتی کشورهای صادرکننده این معضل - تبدیل شده است (Namamian & Sohrab baig, 2002, p.40). از این مجرا ملک سلمان در پرتو یک مبارزه اجتماعی و از طریق این سخنرانی، نهایت بهره‌برداری سیاسی را می‌کند و در طی یک سخنرانی ضد تروریستی سعی می‌نماید، جمهوری اسلامی ایران را به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده افکارات و اقدامات تروریستی در منطقه و بلکه دنیا متهم کند و در پرتو این فرآیند اجتماعی، ایران را در مقام تروریست پروری در اذهان کشورهای شرکت‌کننده تنزل مقام دهد. بنابراین اتهام به ایران از منظر توجه به فعالیت‌های مشروع ضد تروریستی و تصفیه حساب شخصی با ایران از این رهگذر، دومین مبارزه اجتماعی بود که ملک سلمان در این سخنرانی به آن دست یافت و این امر به معنای تلاش زبانی و استفاده از ابزار کلام در جهت امنیتی کردن مسئله ایران و ایجاد ایران هراسی در اذهان مخاطبان است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با تکیه بر مورد تحلیل گفتمانی انتقادی سخنرانی ملک سلمان در نشست ریاض در می ۲۰۱۷ در خصوص چگونگی بهره‌گیری سیاسی از زبان در جهت «امنیتی کردن» روابط دو کشور ایران و عربستان بحث شد تا از زوایای مختلف استفاده ملک سلمان از واژه‌ها، استعاره‌ها، عبارت‌های معنایی، دگرسان‌ها و ... به این نتیجه برسیم که چگونه از این طریق به فرآیند امنیتی سازی مسئله ایران و اقناع مخاطبین اقدام کرده است. یافته‌های پژوهش بیانگر موارد زیر است:

۱- بازیگر امنیتی کننده با کمک نفوذی که ابزارهای قدرت به او می‌دهند و همچنین سرمایه‌های وجودی خود که در اینجا نفوذ عربی، نفت و دیپلماسی دلار است، سعی دارد با ایجاد بستری از کنش کلامی، تهدید را متجلی نماید. در این راه، نهادها و سازوکارهای سیاست‌گذاری یا همان بازیگران کارکردی به او کمک می‌نمایند تا خطر تهدید را عملی کرده و موجی از همراه‌سازی و دغدغه امنیتی در مخاطب و منطقه ایجاد کند. ۲- در فرآیند امنیتی کردن، مخاطب و بازیگر امنیتی ساز از وزن یکسانی برخوردار هستند چرا که بر اساس نظریه امنیتی کردن، این مخاطب است که گزاره‌های بازیگر امنیتی

کننده را می‌پذیرد و سپس با همراهی و اتخاذ سیاست‌های مرافقی، به او در ارتقاء فضای امنیتی خودساخته کمک می‌نماید. ۳- اظهار و اقدام به امنیتی ساختن پدیده‌ها نشان از مؤثر نبودن سایر گزینه‌ها است زیرا امنیتی سازی از فرآیند حل سیاسی دوطرفه، به مراتب هزینه‌ای بیشتری دارد و ممکن است بازیگر امنیتی ساز در فضای امنیتی خود ساخته، درگیر شود و آنچه که خود ساخته، به زیانش تمام شود. ۴- در چارچوب روش تحلیل گفتمان فرکلاف، کلام و زبان نقش اصلی و تعیین کننده دارد. بنابراین، پژوهش‌گر در مطالعات امنیتی کردن باید به داده کلامی و زبانی اعم از متن، لحن، ساختار شکنی جملات، قوانین و غیره دست یابد تا با استخراج واژگان‌های مؤثر، دستور زبان و کنش‌های کلامی، ارزشی و رابطه‌ای این داده‌ها را توصیف نماید. سپس با فهم شرایط اجتماعی و تاریخی حاکم بر تولید داده و تبارشناسی تاریخی و بافت‌های متنی و پیوندی، گام در راه تفسیر گفتمان منبعث از این داده‌ها بگذارد. در نهایت نیز به تبیین تأثیر این گفتمان بر ساختارهای اجتماعی و نهادی پردازد. ۵- بر اساس نظریه امنیتی کردن، «بازیگر امنیتی ساز» در این سخنرانی ملک سلمان است که سعی دارد به تمامی جوانب منجر به فعالیت‌های منطقه‌ای ایران رنگ و بوی امنیتی بدهد. «مرجع امنیت»، حاکمیت عربستان سعودی در باطن است که به زعم ملک سلمان و پسرش با وجود همسایه پر قدرتی مانند ایران به خطر افتاده است. اما در ظاهر، این مرجع به خطر افتادن امنیت جامعه بین‌الملل است که با فعالیت‌های تروریست‌پرور و آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی ایران صدمه دیده است. «مخاطب» در این سخنرانی سران بیش از ۵۰ کشور اسلامی-عربی به همراه دونالد ترامپ است که ملک سلمان با استعانت از مفاهیم حقوقی و هنجاری بین‌الملل، سعی در اقناع‌سازی و همراه‌سازی آنان و در نتیجه منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران در نزد آنان دارد و در نهایت «بازیگران کارکردی»، رسانه‌ها و مؤسسات فرهنگی و پژوهشی هستند که با خوراک قرار دادن این اجلاس و سخنان مطرح شده در آن، به امنیت سازی مطرح شده در این سخنرانی جان تازه‌ای می‌دهند و با تکمیل سخنان ملک سلمان با پوشش‌های نظری و علمی به پراکنش این سخنان در قالب علم و تحلیل می‌پردازند. ملک سلمان در این سخنرانی که نقشی تاریخی در روابط عربستان با کشورهای اسلامی از یک سو و با ایالات متحده از سوی دیگر دارد برای تحقق اهداف رقابتی و ایجاد موازنه سیاسی با ایران و جلوگیری از افتادن آن در عرصه سیاست، اقتصاد و امور نظامی از سیاست امنیتی سازی استفاده کند و در نتیجه ایران را حامی تروریسم و خطرناک برای امنیت بین‌المللی جلوه دهد. بر مبنای نظریه امنیتی کردن ویور و روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، او با این سخنرانی و موارد مشابه دیگر، از زبان به مثابه ابزار کنش سیاسی بهره گرفته و مراحل سه گانه توصیف، تفسیر و تحلیل، مفاهیم، واژه‌ها و جملات سخنرانی و ارتباط آن با وضعیت سیاسی و

اجتماعی موجود، مؤید موفقیت او در این راستا می‌باشد. چنین نطقی فضای بین‌المللی علیه ایران را ملتهب نموده و نه تنها عربستان که کل جهان را مرجع امنیت در قبال تهدیدهای امنیتی و نظامی ایران قرار دهد.

References

- Ahmadian, H. (2016). Evolution in Saudi regional politics; Proceedings of king Salman, *Quarterly Journal of Foreign Relations*, 8(4), 97-122. (in Persian)
- Al-Momani, H. A. (2017). Political discourse of Jordan: a critical discourse analysis, *International Journal of English Linguistics*, 7(2), 320-350.
- Anatoli, Press. (2017). Meeting of the leaders of Islamic-Arab and American countries in Saudi Arabia, Anatoli Press, 21/5/2017, at: <https://www.aa.com.tr/fa/جهان/نشست-سران-کشورهای-اسلامی-عربی-و-آمریکا-در-عربستان-سعودی/۸۲۳۰۷۷>, Access 15/6/2019. (in Persian)
- Arab News, (2017). Full speech of King Salman at the end of president Trump's visit, *The Arab News*, 22/5/2017, at: <http://www.arabnews.com/node/1102971/saudi-arabia>. Access 1/6/2019.
- Bahrain News Agency, (2019). Efforts to achieve more progress, *Bahrain News Agency*, 20/11/2019, at: <https://www.bna.bh/en/HRHPremierissuedEdict33/HMKingissuesdecrees50,51,52/KingSalmanstressesSaudiArabiassteadfasteffortstoachievemoreprogress.aspx?cms=q8FmFJgiscL2fwIzON1%2BDlrUzcG7bPYUy479cN3Sbu4%3D>, Access 28/5/2019.
- Bahrampor, Sh. (1998). *Critical discourse analysis*, Tehran: Center for Media Studies and Research. (in Persian)
- Dahashiar, H., & Nazzari, N. (2017). The impact of the governments of bush and obama, *Iranian Policy Research International Quarterly*, 7(2), 37-66. (in Persian)
- Dahghani Firozabadi, S. J., & Ghorshi, S. Y. (2002). Theory and methods in security studies, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 15(4), 7-42. (in Persian)
- Dahshiri, M. R. et al., (2017). The impact of regional security on the cognitive behavior of regional security collections, *Global Policy*, 6(1), 43-78. (in Persian)
- Diskaya, A. (2013). Towards a critical securitization theory: the copenhagen and aberystwyth schools of security studies, *Aberystwyth University*, May, 23-58.
- Fairclough, N. (1996). *Language and Power*, New York: Longman Inc.

- Fairclough, N. (2000). *Critical Discourse Analysis*, Tehran: Center for Media Studies and Research. (in Persian)
- Fazali, M. (2004). Discourse and analysis of critical discourse, *Journal of Humanities and Social Sciences*, 4(14), 81-106. (in Persian)
- Ghiasian, M.; Moghimi Sarani, S., & Karaimi Firozjaei, A. (2015). Critical discourse analysis of Iran and shiites in Saudi online news, *Quarterly Journal of Political Research in the Islamic World*, 5(1), 129-154. (in Persian)
- Ghorshi, Y. (2016). Disclosure of security council resolutions on North Korea; discourse analysis from the perspective, *World Politics Quarterly*, 5(2), 107-145. (in Persian)
- Goatly, A. (2007). *Washing the Brain—Metaphor and Hidden Ideology*, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Hansen, L. (2006). *Security as Practice Discourse Analysis and the Bosnia War*, Abingdon: Routledge.
- Horváth, J. (2009). Critical discourse analysis of Obama's political discourse, *Institute of British and American Studies*, 17, 233-285.
- Liu, K., & Guo, F. (2016). A review on critical discourse analysis, *Theory and Practice in Language Studies*, 6(5), 52-75.
- Karimi Firozjaye, A. (2017). A review of the headlines of sports newspapers from the perspective of critical discourse: a case study of the matches between the teams of Persepolis of Iran and Al-Hilal of Saudi Arabia, *Quarterly Journal of Applied Research in Sports Management*, 6(3), 21-32. (in Persian)
- Karimi Firozjaye, A. (2018). A study of imam khomeini's views on the university from the perspective of fairclough critical discourse analysis, *Matin Research Journal*, 20(77), 105-126. (in Persian)
- Khani, M. H.; Shah Mohammadi, P., & Soltani, M, J. (2013). The impact of security on china's economic strategy in central asia, *Quarterly Central Asia and Caucasus*, 83, 53-80. (in Persian)
- McDonald, M. (2008). Securitization and the construction of security, *European Journal of International Relations*, 14(4), 23-56.
- Mirdahghan, M., & Shokati Mogharab, S. (2013). Hidden discourse, power and media in the arab middle east, (case study: Saudi Arabia), *Quarterly Journal of World Socio-Political Studies*, 3(1), 145-180. (in Persian)
- Mohsani, S., & Salahi, A. (2011). US purposes of securing iran's nuclear activities (looking at copenhagen school), *Foreign Policy Quarterly*, 25(3), 613-634. (in Persian)

- Mosavi, S., & Badakhshan, A. (2016). A study of the beauty of interpretation in Persian: a discourse approach, *Journal of Comparative Linguistics*, 6(12), 55-67. (in Persian)
- Moshirzadeh, H. (2005). *Evolution in theories of international relations*, Tehran: Samt. (in Persian)
- Motamir, D. (2001). Beyond strategy: critical thought and new security studies, *Strategic Studies Quarterly*, (translated by Mohammad Asghari), 4(13), 383-396. (in Persian)
- Munster, R. (2005). *Logics of security: the copenhagen school, risk management and the war on terror*, Syddansk University, Denmark.
- Namamian, P., & Sohrab Baig, M. (2011). Fight against terrorism; an effective strategy for achieving just world peace, *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy*, 3(6), 77-114. (in Persian)
- Noruz, M. & Farhod, F. (2016). Saadi's cautionary education in the garden with a critical discourse analysis approach to Fairclough theory, *Journal of Educational Literature*, 8(32), 161-190. (in Persian)
- Ramazan zadeh, A.; Basharati, M., & Hashami, T. (2013). Developing the regional position and stressful relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia, *Quarterly Journal of Management and Defense Research*, 12(71), 147-178. (in Persian)
- Rashidi, S. S.; Baghari Khalili, A. A., & Pirozi, Gh. (2017). Chubak's critical discourse in Tangsir's novel, *Literary Textbook Quarterly*, 21(72), 35-62. (in Persian)
- Rostami, F.; Ayoman, M. S., & Karamian Habili, K. R. (2016). The regional security system in the Persian Gulf and its impact on Iraqi national security after the war, *Strategy Quarterly*, 25(78), 191-220. (in Persian)
- Soltani, S. A., & Moghadasnia, M. (2016). The confrontation between the Iranian and Saudi press in the representation of Mena: disaster or accident? *Political Science Quarterly*, 19(73), 55-82. (in Persian)
- Tasnim, Press. (2019). Saudi stalemate in anti-Iranian stance in Mecca meetings, *Tasnim Press*, 1/6/2019, at <https://tn.ai/2023566>, Access 6/4/2020. (in Persian)
- Taureck, R. (2006). Securitization theory and securitization studies, *Journal of International Relations and Development*, 9, 125-156.
- Van Dijk, T. A. (2001). *Critical Discourse Analysis*, In Schiffrin et al.
- Vosoghi, S.; Moradifar, S. & Safari, A. (2014) Analysis of South Caucasus security issues based on Copenhagen School security theory, *Central Eurasian Studies Quarterly*, 7(1), 175-194. (in Persian)

- Williams, M. C. (2003). Words, images, enemies: securitization and international politics, *International Studies Quarterly*, 47(4), 158-220.
- Wodak, R., & Meyer, M. (2008). Critical discourse analysis: history, agenda, theory, and methodology, *Methods of Critical Discourse Analysis*, 220-265.
- Zare zadeh Abarghoye, R. (2017). Copenhagen's view of security: fundamentals and challenges, *Afaq Security Quarterly*, 10(36), 90-120. (in Persian)

